

بررسی جامعه‌شناختی فرهنگ سیاسی احزاب و سازمان‌های سیاسی توسعه‌گرای ایران (در طول یک دهه، از اواسط دهه ۱۳۷۰)

فرهاد شایگان فرد*

تاریخ دریافت: ۸۸/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۱۲

چکیده:

هدف این مقاله توصیف و تحلیل فرهنگ سیاسی احزاب و سازمان‌های سیاسی توسعه‌گرای ایران بر مبنای چارچوبی نظری است که در آن ابعاد موضوع با اهمیت متفاوتی ترکیب شده‌اند. در این چارچوب نظری تلاش شده تا به ۱۶ گزینه طراحی شده، که بگونه‌ای هدفمند در جهت کشف فرهنگ سیاسی گروه‌های هدف، مشتمل بر چهار حزب و سازمان سیاسی پاسخ داده

شود. بدین منظور میزان حجم نمونه در دو گروه طبقه بندی شده است؛ گروه اول نمونه‌ای مشتمل بر ۳۸۵ سرمقاله مطبوعات وابسته به ارگان‌های حزبی است، گروه دوم بر مبنای مصاحبه با ۱۴ نفر از فعالان حزبی می‌باشد، که در دو حجم نمونه یاد شده، داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا و روش کیفی تحلیل شده‌اند. نتایج نیز در بردارنده؛ شناخت فرهنگ سیاسی گروه‌های هدف و مقایسه آنها با یکدیگر، تعیین میزان و نوع همبستگی کارکردی فرهنگ سیاسی میان گروه‌های هدف در ارتباط با یکدیگر و شناخت نوع آسیب پذیری آنها است.

واژه‌های کلیدی: توسعه سیاسی، فرهنگ سیاسی، اصلاح، تغییر،

همبستگی کارکردی

طرح مسئله

در این مقاله یک دوره ده ساله جهت شناخت فرهنگ سیاسی طیفی از احزاب و سازمان‌های سیاسی ایران در نظر گرفته شده است. در دوره اخیر جامعه سیاسی ایران در تجربه پس از انقلاب اسلامی بسر می‌برد، در ابتدای انقلاب در فضای میان گروه‌های سیاسی رقابت شدیدی برای توسعه و فراگیر شدن در سطح جامعه وجود داشت اما این فرآیند با گذر زمان دو شکل متفاوت بخود گرفت؛ بدین گونه که یا برخی از احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی در تعارض با نظام حاکم قرار گرفتند، یا به اجبار و یا اختیار بواسطه عواملی چون جنگ تحمیلی، ترورهای سیاسی و... از ادامه فعالیت بازماندند. با این همه در بیش از ۳۰ سالی که از انقلاب می‌گذرد، چه در اوایل انقلاب و چه در دوران پس از جنگ و بازسازی، احزاب و سازمان‌های سیاسی زیادی بسرعت از بستر جامعه سربرآورده‌اند که برخی از آنها نیز با همان سرعت از بین رفته‌اند. در این میان آنچه که در عدم نهادینگی و ضعف آنها نقش دارد (جدای از موانع و مشکلات ساختاری) ناتوانی آنها در شکل دهی به ساختار درونی خود چون ایجاد تشکیلات

منظم، سازماندهی نیروها، از یک سو و ناتوانی در داشتن کارکردهایی چون؛ داشتن ارگان حزبی، آموزش، تحرک نیروی انسانی و... از سوی دیگر است، که ریشه این مسئله را می‌توان در فرهنگ سیاسی نامناسب و ناکارآمد آنها جست. زیرا در صورتیکه مجموعه گروه‌های سیاسی یک جامعه از فرهنگ سیاسی مناسب و کارآمدی چون؛ پذیرش ابعاد زندگی مشارکتی، پذیرش نقش اعضا در تصمیم‌سازی و سیاستگذاری‌ها، حساسیت و مسئولیت‌پذیری نسبت به رفتار رهبران، پذیرش اصل پاسخگو بودن و پاسخگو دانستن سایرین، برخوردار باشند، از عوارض ناکارآمدی و کج کارکردی‌ها مانند؛ افول زود هنگام و عدم نهادینگی، رقابت‌های ناسالم حزبی و گروهی، ستیز، تخریب و خشونت مصون می‌مانند. از اینرو در بررسی فرهنگ سیاسی طیف گروه‌های سیاسی، به مطالعه موردی چهار حزب و سازمان در طی یک فراگرد ده ساله از اواسط دهه ۱۳۷۰ بعد، پرداخته می‌شود. انتخاب این دوره به این دلیل است که این احزاب و سازمان‌ها در سال‌های میانی دهه ۱۳۷۰ مسبب تغییراتی چند در بستر سیاسی، اجتماعی و بعضاً فرهنگی جامعه ایران شده‌اند، اوج این فعالیت‌ها از زمانی بود که دوران ریاست جمهوری هاشمی به ماه‌های پایانی خود نزدیک می‌شد و با اعلام آمادگی افراد برای کاندیداتوری و نیز اعلام آمادگی گروه‌های سیاسی برای معرفی کاندیدای ریاست جمهوری، اصلاحات گسترده در جامعه بعنوان ضرورتی از سوی تعدادی از این گروه‌ها مطرح گردید و در این میان خاتمی‌توانست حمایت این گروه‌ها را بخود جلب کند بنحوی که بسیاری از شعارهای گروه‌های توسعه‌گرا از زبان ایشان جاری شد و در نهایت نیز ایشان توانست به نمایندگی از این گروه‌ها به پیروزی برسد. این واقعه سبب گردید که در سال‌های بعد برخی از این گروه‌ها از شکل گروه و سازمان به حزب تغییر هویت بدهند و برخی نیز به صورت سازمان باقی بمانند. در این دوره توسعه‌گرایان پس از اینکه ریاست جمهوری را از آن خود نمودند، بترتیب موفق شدند ارکان‌های سیاسی دیگری چون، مجلس ششم و شوراها را نیز از آن خود کنند. بنابراین قدرت سیاسی ایران در این دوره دارای یکپارچگی و تمرکز بیشتر می‌شود و متقابلاً مجموعه

گروه‌های سیاسی از حیات معنی دارتری برخوردار می‌گردند. اما پس از دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی، توسعه گرایان به مرور ارکان قدرت خود را از دست دادند تا اینکه در نهایت در سال ۱۳۸۴ با از دست دادن پست ریاست جمهوری بعنوان آخرین پایگاه قدرت خود، در حاشیه قدرت قرار گرفتند. بر این اساس تلاش این پژوهش بررسی و شناخت فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از این احزاب و سازمان‌ها، در ساختار سیاسی فعلی جامعه ایران می‌باشد. از میان طیف گسترده احزاب و سازمان‌های سیاسی فعال پیش پس از خرداد ۱۳۷۶ چهار حزب و سازمان سیاسی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که عبارتند از: سازمان مجاهدین انقلاب، مجمع روحانیون مبارز، حزب کارگزاران سازندگی و حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی. انتخاب این طیف از گروه‌های سیاسی بخاطر نقش فعالی است که آنها در فرآیند انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ و حوادث پس از آن داشته‌اند. بر این اساس با مطالعه آنها بطور جداگانه، به استخراج فرهنگ سیاسی و سپس مقایسه فرهنگ سیاسی آنها با یکدیگر می‌پردازیم.

مروری بر تحقیقات پیشین

۱. تحقیقات خارجی

یکی از برجسته ترین پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه فرهنگ سیاسی انجام شده است، پژوهش گابریل آلموند و سیدنی وربا در کتاب «فرهنگ مدنی» است که می‌توان پژوهش آنها را در چارچوب مطالعات سیاست تطبیقی گنجانند. بدین ترتیب که آنها با استفاده از روش کمی یک نمونه ۵۰۰۰ نفری از پنج کشور اروپایی و آمریکایی (انگلستان، آلمان، ایتالیا، ایالات متحده آمریکا و مکزیک) انتخاب و نگرش‌های سیاسی آنها را براساس میزان مشارکت هر عضو در فرآیندهای نظام سیاسی مورد سنجش قرار دادند. بر اساس تحقیقات آنها در انگلستان و آمریکا بین جهت‌گیری مشارکتی و تابعیت تعادل برقرار است، اما در میان ایتالیایی‌ها بیگانگی گسترده به چشم می‌خورد، در

مکزیک شهروندان غالباً با نهادها و خط مشی‌های دولت بیگانه هستند ولی به علت نماد احساسی انقلاب مکزیک، وفاداری به نظام وجود دارد اما آلمانی‌ها بیشتر مایل به تبعیت از خارجی‌ها و سیاستگذاری‌های دولت هستند. بررسی این دو محقق برای رسیدن به فرهنگ مدنی سبب شد که آنها سه نوع فرهنگ سیاسی؛ مشارکتی، تبعی و محدود را بعنوان سنخ‌های آرمانی از یکدیگر تشخیص دهند و در عین حال نیز معتقد بودند که هیچ کدام از این انواع فرهنگ‌ها بصورت ناب وجود ندارند و غالب فرهنگ‌های سیاسی ترکیبی از این سه گونه فرهنگ می‌باشند. آنها در ادامه تحقیقات خود نشان دادند که در فرهنگ مدنی تعداد فعالان در سیاست بیشتر از افراد منفعل است در این فرهنگ ضمن آنکه وفاق وجود دارد تنوع بیشتر است و تغییرات و دگرگونی‌ها اجازه رشد می‌یابند. نهایتاً به لحاظ معیارهای فرهنگ مدنی، امریکا و انگلستان به این نوع فرهنگ نزدیکتر هستند و نظام‌های آلمان، ایتالیا و مکزیک در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند (Almond and Verba, ۱۹۶۳).

یکی از پژوهش‌های برجسته‌ای که در زمینه فرهنگ سیاسی در رابطه با کشورهای ایران در حال توسعه انجام گرفته است، پژوهش ماروین زونیس با عنوان «نخبگان سیاسی ایران» است. این پژوهش که یک کار علمی مبتنی بر روش میدانی است در دوره زمانی پهلوی دوم صورت گرفت که در آن محقق ابتدا با انتخاب یک نمونه ۳۰۰۰ نفری، مجموعه‌ای از نخبگان سیاسی در دربار، نخبگان نظامی، سازمان امنیت، هیات دولت و برخی از مدیران را انتخاب می‌نماید سپس با ارسال پرسشنامه‌های برگشتی برای ۳۰۰ نفر از این افراد، جامعه هدف خود را انتخاب می‌کند. متغیرهای محوری وی در این پژوهش عبارتند از: بدبینی سیاسی، بی‌اعتمادی در روابط شخصی، احساس عدم امنیت و سواستفاده بین افراد، که زونیس از طریق تحلیل‌های آماری خود به این نتیجه می‌رسد که متغیرهای یاد شده ویژگی رایج نخبگان ایرانی است. زونیس در ادامه یافته‌های خود نشان می‌دهد که در ایران وقتی یک دولتمرد سیاستی را اعلام می‌کند دولتمردان دیگر نه آن را باور می‌کنند و نه آن را جدی می‌گیرند بلکه آنها اطمینان دارند که این سیاست

تاکتیکی برای یک استراتژی پنهان دیگر است. از سویی سطح پایگاه اجتماعی نخبگان در ایران با میزان احساس عدم امنیت آنان دارای رابطه معنی‌داری است، چنان که نخبگان سیاسی ایرانی هرچه فعال‌تر باشند کمتر احساس امنیت می‌کنند به همین ترتیب هرچه قدرتمندتر باشند کمتر متعهد خواهند بود. (Zonis, ۱۹۷۱)

۲. تحقیقات داخلی

محمود سریع القلم در مقاله‌ای با عنوان «مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران» در ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی در سال ۱۳۷۷، و اخیراً نیز در کتابی با عنوان «فرهنگ سیاسی ایران»؛ به تحلیل کارکردهای نظام حکومتی، فرهنگ عام و مخصوصاً رفتار سیاسی نخبگان حکومتی ایران در سه دوره قاجاریه، پهلوی اول و پهلوی دوم برطبق فرهنگ سیاسی عشیره‌ای می‌پردازد. وی در تشریح چگونگی اثرگذاری فرهنگ عشیره‌ای بر نظام‌های سیاسی ایران و فرهنگ سیاسی نخبگان و عامه کشور، از این پایه علمی‌بحث را پیش می‌گیرد که انسان بشدت تحت تاثیر محیط به واسطه خود می‌باشد. انسان خمیره‌ای است که نظام سیاسی و فرهنگی عمومی، او را به شکل خاصی پدید می‌آورد. انسان‌ها از محیط خود نمی‌توانند گریزان باشند و ژن انباشته شده در نسل آنان نیز فشارهای محیطی را می‌پذیرد و خمیره انسانی می‌تواند برای مدت‌های طولانی دوام داشته باشد و در شرایطی که موتور محرکه نیرومندی فراهم آید، تحولی در آن صورت می‌گیرد. فرهنگ عشیره‌ای بنابه انباشته‌های محیطی خود خمیره‌ای خاص در عامه مردم و نخبگان سیاسی ایجاد می‌کند (سریع القلم، ۱۳۸۶)،

علی رضاقلی در کتاب «جامعه شناسی خودکامگی» که تحلیلی جامعه‌شناختی از داستان ضحاک مار دوش در شاهنامه فردوسی است به بررسی الگوی فرهنگ سیاسی قبیله‌ای جهت ترسیم جهت‌گیری‌های سیاسی جامعه ایران نسبت به پدیده قدرت و حکومت می‌پردازد، به باور وی برای شناخت و درک ویژگی‌های فرهنگ سیاسی قبیله‌ای می‌باید آن را در حوزه باورهای سیاسی و ساختارهای سیاسی تحلیل کرد. در

حوزه ساختار سیاسی، قدرت خودکامه و سرکش و متکی بر ارتش و سپاهی‌گری است که بنا بر اراده شاه غارت می‌کنند، می‌سوزانند و می‌کشند، در این حوزه جابجایی در قدرت مبتنی بر زور و خشونت است. امنیت، ثبات، مشارکت و رقابت ناپسند است و چون اصلاحات همیشه از بالا صورت گرفته، پس نهادهای سیاسی و اجتماعی یا غیرضروری هستند و یا در صورت موجودیت بی محتوا و ناکارآمد می‌باشند. ویژگی بارز فرهنگ قبیله‌ای بیانگر نوعی ناسازگاری و عدم سنخیت با باورها و ساختارهای دموکراتیک در فرهنگ سیاسی مدرن و مشارکتی است (رضاقلی، ۱۳۸۵).

حسین بشیریه در مقاله‌ای با عنوان «ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم در دوره پهلوی» و همچنین در کتابی با عنوان «موانع توسعه سیاسی در ایران»، با استفاده از الگوی تحلیل فرهنگ سیاسی آمریت و پاتریمونیال به توصیف رفتار و نگرش رهبران و گروه‌های حاکم در ایران قرن بیستم به ویژه دوران پهلوی پرداخته است. وی یکی از موانع اساسی توسعه سیاسی را در فرهنگ سیاسی و مقتضیات سیاسی تاریخ معاصر ایران می‌داند، از نظر وی در فرهنگ سیاسی ایران به دلایل گوناگون و پیچیده، فرهنگ تابعیت همیشه در مقابل فرهنگ مشارکت بوده است و مجاری جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری روی هم رفته این نوع فرهنگ را تقویت کرده است، چنان که براساس فرهنگ تابعیت یا پاتریمونیالیستی در ایران، حاکم موجودی برتر و قهرمان گونه و بی‌همتا است و بنحوی قداست دارد. در این فرهنگ، رفتار سیاسی ایرانیان ترکیبی از فرصت‌طلبی، فردگرایی منفی و ترس آلوده، انفعال و کناره‌گیری است. چنین فرهنگی توانایی افراد در همکاری و اعتماد به یکدیگر را تضعیف می‌کند، فرآیند فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری در چنین فرهنگی در اتباع و رهبران، نگرش و گرایشهای منفی نسبت به کار ویژه‌های قدرت سیاسی ایجاد می‌کند (بشیریه، ۱۳۸۴).

«سهراب رزاقی» در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ما» به تحلیل فرهنگ سیاسی ایران دست می‌زند، او برای استخراج و تحلیل جوانب فرهنگ سیاسی

ایران به ذکر مؤلفه‌هایی چند در این زمینه می‌پردازد. رزاقی در این باره به ذکر شش مؤلفه مهم و معنی دار فرهنگ سیاسی ایران که بعنوان عوامل بازدارنده سیاسی نیز شناخته می‌شوند، پرداخته است. این مؤلفه‌ها بترتیب عبارت از: فرهنگ آمریت، نظریه توطئه، عدم تساهل وسعه صدر، خشونت، سیاست گریزی و بی‌اعتمادی سیاسی می‌باشند. وی با تحلیل وقایع و حوادث تاریخ ایران و همچنین با استفاده از ضرب المثل‌های رایج در فرهنگ عامیانه مردم ایران سعی می‌کند تا هم به اثبات این مؤلفه‌ها پیرامون فرهنگ سیاسی ایران پرداخته و هم به دسته بندی جدیدی در فرهنگ سیاسی ایران دست یابد و نیز به نقد این فرهنگ بپردازد، تا بدین وسیله زمینه‌ای برای تحول عوامل بازدارنده زندگی سیاسی و شکوفایی فرهنگ سیاسی در ایران را فراهم نماید (رزاقی، ۱۳۷۵)،

«مجید محمدی» در مقاله‌ای با عنوان «مقدمه‌ای بر مطالعه فرهنگ سیاسی ایران» بر این باور است که فرهنگ سیاسی ایران را می‌توان با رهیافت‌های گوناگون مطالعه کرد؛ وی در این رابطه به معرفی پنج رهیافت می‌پردازد که بترتیب عبارتند از: رهیافت روانشناختی، رهیافت منش شناسی فلسفی، رهیافت اجتماعی، رهیافت تاریخی و نهایتاً رهیافت فرهنگ شناختی. از نظر او براساس رهیافت فرهنگ شناختی، فرهنگ سیاسی ایران امروز آمیخته‌ای از سه فرهنگ ایرانی (باستان)، اسلامی و غربی است. در دوران باستان فرهنگ سیاسی ایران مبتنی بر اندیشه ایرانشهری - شاهنشاهی بوده که رهاورد آن شکل خاصی از قدرت سیاسی بوده است، با ظهور اسلام و گسترش آن در ایران، فرهنگ سیاسی اسلامی که متکی بر نظریه خلافت - ولایت بود، جایگزین فرهنگ پیشین شد و به مرور زمان این قالب، شکل و محتوای ایرانی بخود گرفت که نهایتاً با تسری اندیشه‌های نوگرایی و وقوع انقلاب مشروطیت در ایران، گونه نسبتاً جدیدی بنام فرهنگ سیاسی مشارکتی-دموکراتیک متاثر از فرهنگ اروپایی و غربی (و آغشته با عناصر دو فرهنگ پیشین) پدید آمد. (محمدی، ۱۳۷۱)،

چارچوب مفهومی

امروزه یکی از مباحث مهمی که در جامعه ما مطرح و رواج یافته - به طوری که روزانه مطالب فراوانی درباره آن گفته و نوشته می‌شود - بحث «توسعه سیاسی» است. از اینرو بیشتر مطالعاتی که پیرامون توسعه سیاسی انجام می‌گیرد متوجه نهادها و ساختارهایی است که نماد توسعه یافتگی سیاسی‌اند. مانند: سطح بالای مشارکت، توجه به انتخابات آزاد پارلمان، شکل‌گیری و فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی، ساختار قدرت و تفکیک قوا و... . در این میان آنچه که کمتر بدان توجه و پرداخته می‌شود مقوله «فرهنگ سیاسی» است. از طرفی با صرف برخورداربودن از نهادها و ساختارهایی که نماد توسعه یافتگی‌اند نمی‌توان اذعان داشت که جامعه به سطح بالایی از توسعه یافتگی سیاسی رسیده است! زیرا در صورتیکه جامعه‌ای دارای نهادها و توسعه یافته سیاسی باشد اما فرهنگ سیاسی متناسب با آن وجود نداشته باشد نهادها دوام و استمرار نخواهند داشت و در صورتیکه دوام نیز پیدا کنند کارآیی مناسبی نخواهند داشت. در تعریف فرهنگ سیاسی نیز ما با عواملی چون، ساخت و نحوه تمرکز یا توزیع قدرت سیاسی، قوت یا ضعف جامعه مدنی، چگونگی مشارکت و رقابت نخبگان سیاسی و سازوکارهای حل اختلاف و هم‌پذیری فرهنگی روبرو هستیم. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که مجموعه این عوامل منظومه‌ای را فراهم می‌آورند که با مجسم ساختن ساختار خاصی جهت ایجاد همبستگی و هماهنگی نیازمند فرهنگ سیاسی می‌باشند، که فرهنگ سیاسی هم می‌تواند شرایط را باز تولید کند و هم می‌تواند نتیجه شرایط باشد. از جمله مؤلفه‌های تشکیل دهنده فرهنگ سیاسی ایران، رویکردهای اصلاحی روشن اندیشانه بوده که تغییرات فراگیر را در دستور کار خود داشته‌اند. اصلاح یا رفرمیسم در عام‌ترین تعریف خود، یعنی باور به یک پیش‌سیاسی که براساس آن تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌توانند بدور از تغییرات ساختاری در سیستم، بصورت تدریجی و گام به گام انجام پذیرند. پس در دو حالت ممکن، امکان می‌پذیرند؛ نخست بصورت تغییرات «از بالا به پایین» و دیگر بشکل تغییرات «از پایین به بالا»

الف) تغییر از بالا به پایین: این نوع تغییر برای جوامعی تجویز می‌شود که هنوز ساختار مدرن و تمایزیافته‌ای پیدا نکرده‌اند، مشکل این جوامع که در مرحله گذار هستند مردم سالاری نیست بلکه نظم و ثبات اجتماعی است. براین اساس در این جوامع روی کارآمدن یک دولت متمرکز و مقتدر ضرورت می‌یابد تا بتواند تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را انجام دهد تا آنگاه نوبت نوسازی سیاسی برسد.

ب) تغییر از پایین به بالا: این نوع تغییر از سوی فرودستان به فرادستان تحمیل می‌شود، بدین ترتیب که شهروندان و توده با حمایت از یک نظر و اندیشه به اعمال فشار بر دولت و حکومت می‌پردازند، تا بدین طریق دولت و حکومت‌های خود را وادار به تغییر در درون دستگاه دولتی و مجبور به تغییر در شیوه اجرای سیاست‌های موجود نمایند. در فرهنگ سیاسی ما غالباً این گونه رویکردهای تغییرگرایانه محوریت داشته است که توسط اشخاصی خاص مطرح و مورد حمایت عموم توده‌ها قرار گرفته است، که نمونه اخیر آن جریان و جنبشی است که در اواسط دهه ۱۳۷۰ با پیروزی سید محمد خاتمی شکل می‌گیرد که در برگیرنده ائتلافی از مجموعه گروه‌های سیاسی می‌باشد که بتدریج موفق شدند در انتخابات ریاست جمهوری، شوراها و پس از آن مجلس نیز پیروز گردند.

الگوی تحلیلی

اغلب رهیافت‌ها و الگوهای تحلیلی که به فرهنگ سیاسی ایران پرداخته‌اند، تلاش نموده‌اند تا بخشی از جهت‌گیری‌های سیاسی گذشته و حال مردم ایران را نسبت به پدیده قدرت، سیاست و نظام سیاسی مشخص نمایند. شکی نیست که این عمل درک و فهم عمیق‌تر و منجسم‌تری نسبت به شناخت ویژگی‌های فرهنگی، عطا کرده است. بنابراین در بررسی لایه‌های گوناگون فرهنگ سیاسی ایران و همچنین رهیافت‌های مطالعاتی و تحلیلی در این مقاله، تلاش شده است که چارچوبی مطالعاتی برای شناخت

و تحلیل فرهنگ سیاسی احزاب و سازمان‌های سیاسی ایران ترسیم و ارائه گردد. این در حالی است که فرهنگ سیاسی بعنوان یک پدیده پویا و در حال تحول است که دست کم در صد سال اخیر نیز ما با جلوه‌ها و عملکردهای متفاوت آن در ارتباط با احزاب و سازمان‌های سیاسی روبرو بوده‌ایم. از سویی اغلب محققین در تحلیل و تبیین فرهنگ سیاسی ایران با تصور آن بصورت یک کلیت در سطوح زمانی و مکان‌های واحد، بدون احتساب خرده فرهنگ‌های سیاسی، فرهنگ سیاسی ایران را مجموعه باورها و ارزش‌هایی می‌دانند که جهت‌گیری مردم را به صورت مستمر و کلی نسبت به پدیده قدرت و مظاهر سیاسی آن معین می‌کند که در این زمینه نیز برخی قضاوت‌های ارزشی و غیر علمی و فقدان علمی‌نگری در تحلیل‌ها و تبیین‌ها وجود دارد. از سوی دیگر بسیاری از این آثار، به ندرت در تایید نظرات خود مدعی استفاده از ابزارها و معیارهای پیشرفته از قبیل: نظر سنجی، نمونه برداری، روانشناسی سیاسی اجتماعی و تحلیل محتوای متون سیاسی شده‌اند. از اینرو این پژوهش به فراخور، برای ارائه یک الگوی نظری پیرامون فرهنگ سیاسی احزاب و سازمان‌های سیاسی ایران، الگوی ترکیبی متناسبی را برای تحلیل فرهنگ سیاسی گروه‌های سیاسی ایران بویژه احزاب و سازمان‌های سیاسی پس از انقلاب ارائه می‌دهد. بر این اساس الگو و چارچوبی هم که ارائه می‌شود الگویی شامل شانزده گزینه به‌مراه شرح آنها می‌باشد که می‌توان آنها را بعنوان مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مجموعه گروه‌های سیاسی ایران در نظر گرفت. بنابراین در این چارچوب می‌توان فرهنگ سیاسی احزاب و سازمان‌های توسعه‌گرا که منظور نظر این پژوهش هستند، را چنین عنوان ساخت :

۱- تلقی از سیاست: اعتقاد به وجود رابطه میان دین و دولت.

۲- تلقی از سیستم سیاسی: نظامی در چارچوب مواضع مردم، سیستمی که در پی

متجدد شدن و پویایی دموکراسی خواهانه است.

۳- تلقی از حکومت مرکزی: تمرکز گرا و نخبه‌گرا.

- ۴- تلقی از اقتدار حکومت مرکزی: اقتدار مقدس و شرعی است بخشی از آن برخواسته از خواست مردم میباشد.
- ۵- تلقی از رهبران سیاسی: افرادی که یا روحانی اند یا مدافع پایگاه روحانیت، افرادی که قدرت آنها برآمده از مذهب و خواست مردم است.
- ۶- روش کسب قدرت: فعالیت در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی، شکل یابی و حرکت در چارچوب قانون و شرکت در جریان انتخابات.
- ۷- هویت سیاسی اجتماعی: پایبندی به ارزش‌های اسلامی و قبول سازوکارهای دموکراتیک.
- ۸- قواعد بازی سیاسی: دوری از انحصارگرایی، پذیرش اصل رقابت و دوری از ستیز در قدرت.
- ۹- روش کسب کارآمدی سیاسی: برخورداری از تعهد و تخصص در کنار یکدیگر.
- ۱۰- تلقی از هزینه سیاسی: عدم اعتقاد به هزینه سیاسی در عین حال بالا دانستن هزینه‌های سیاسی در جامعه.
- ۱۱- مبنای اعتماد درون گروهی: اصلاحات و باورهای اصلاح طلبانه.
- ۱۲- مبنای اعتماد خارج از گروه یا جناح: جمهوریت و اسلامیت نظام و مقابله با دشمنان نظام.
- ۱۳- تلقی از تربیون: صدا و سیما، نماز جمعه، نشریات و مطبوعات.
- ۱۴- روش برتری جویی: رقابت در انتخابات و جلب آرای مردم.
- ۱۵- روش تصمیم‌گیری: اعتقاد به نقش احزاب، سازمان‌ها و تشکل‌های سیاسی در فرآیند تصمیم‌سازی و اعتقاد به نقش دولت در فرآیند تصمیم‌گیری.
- ۱۶- روش حل اختلاف: حکمیت نخبگان، گفتگو و پذیرش رای اکثریت.

روش شناسی

۱. روش تحقیق: روش تحقیق مورد استفاده تلفیقی از روش کیفی و روش تحلیل محتوا می‌باشد. در این پژوهش با توجه به آنکه داده‌ها از نوع کیفی هستند با استفاده از الگوی نظری به سراغ متن رفته، سپس با استفاده از روش تحلیل محتوا اقدام به جمع آوری داده‌ها شده است که شامل متون مطبوعات و متن مصاحبه‌ها می‌باشند در پایان نیز داده‌های بدست آمده که محتوای پیامها می‌باشند، در قالب مقوله‌های معین، تحلیل کیفی شده‌اند.

۲. مقطع زمانی پژوهشی: مقطع زمانی از اواسط دهه ۱۳۷۰ جهت بررسی احزاب و سازمان‌های توسعه‌گرا انتخاب شده است، این مقطع زمانی عروج و افول جنبش و جریانی در جامعه سیاسی ایران می‌باشد. بدین ترتیب که این جریان در خرداد سال ۱۳۷۶ با پیروزی نیز محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری بقدرت می‌رسد که بدنبال آن ائتلافی از مجموعه گروه‌های سیاسی تشکیل می‌شود که بتدریج موفق می‌شوند در انتخابات اول شوراهای شهر و روستا و پس از آن مجلس ششم هم پیروز شوند سپس در انتخابات هشتم ریاست جمهوری نیز یکبار دیگر پیروز می‌شوند. اما از سال ۱۳۸۱ بعد ابتدا اکثریت شوراهای دوم شهر و روستا، سپس در سال ۱۳۸۲ اکثریت مجلس هفتم را از دست می‌دهند تا اینکه در سال ۱۳۸۴ پست ریاست جمهوری را نیز واگذار می‌نمایند و بدنبال آن در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ مجدداً اکثریت شوراهای سوم شهر و روستا و مجلس هشتم را نیز واگذار می‌نمایند.

۳. واحد تحلیل: موضوع تحقیق فرهنگ سیاسی است، نوع تلقی از فرهنگ سیاسی بعنوان ویژگی احزاب و سازمان‌های توسعه‌گرا این نتیجه را در پی داشته که واحد تحلیل در این مورد تریبون‌های رسمی آنها چون، مطبوعات وابسته به ارگان‌های رسمی این احزاب و سازمان‌ها و همچنین اعضای فعال آنها می‌باشد.

۴. **واحد مشاهده و سطح مشاهده:** دو حزب مشارکت و کارگزاران، و دو سازمان مجاهدین انقلاب و مجمع روحانیون مبارز بعنوان واحد مشاهده انتخاب شده‌اند. بنابراین در سطح خردتر برای بدست آوردن اطلاعات از این واحدهای مشاهده؛ سطوح مشاهده این واحدها شامل؛ روزنامه و دو هفته نامه مشارکت وابسته به حزب مشارکت، روزنامه کارگزاران وابسته به حزب کارگزاران، عصرما و عصر نو وابسته به سازمان مجاهدین و سلام وابسته به مجمع روحانیون مبارز می‌باشند که مورد مطالعه و تحلیل محتوا قرار می‌گیرند که با خرد شدن سطح مشاهده، بر سرمقاله‌های این مطبوعات تاکید گردیده است. از طرفی دیگر با برخی از اعضای هسته و شورای مرکزی این احزاب و سازمان‌ها جهت جمع آوری و تکمیل اطلاعات مصاحبه شده است.

۵. **نوع داده‌ها:** داده‌ها از نوع اسنادی هستند که بواسطه متون و سخنان شفاهی بدست آمده‌اند. این نوع داده‌ها، عمدتاً داده‌های کیفی می‌باشند که در سطح مشاهدات فردی گزارش شده‌اند، بعبارتی داده‌های اسنادی در این پژوهش شرح و توصیف عمل عاملین سیاسی می‌باشد که به طرح دیدگاه‌های خود در قالب مقالات و متون، در مطبوعاتی خاص و گفتگوی مستقیم پیرامون مسائل و موضوعاتی خاص با توجه به پایگاه حزبی و جناحی خود پرداخته‌اند، پس اطلاعات از نوع دسته اول می‌باشند. روش گردآوری اطلاعات هم به دو طریق می‌باشد؛ یکی، مراجعه به آرای طرح شده در سرمقالات مطبوعات وابسته به ارگان‌های رسمی احزاب و سازمان‌های سیاسی که مورد هدف این پژوهش‌اند، دوم مصاحبه با افراد برجسته این احزاب و سازمان‌ها که همگی درشوراها و هسته‌های مرکزی آنها عضو هستند.

۶. **جامعه آماری و حجم نمونه:** جامعه آماری در این پژوهش به دو دسته تقسیم می‌شود: **الف:** جامعه آماری مربوط به مطبوعات وابسته به ارگان‌های حزبی **ب:** جامعه آماری مربوط به فعالان حزبی.

در این جامعه آماری با توجه به اینکه احزاب و سازمان‌های سیاسی در طول یک دهه (مورد مطالعه)، شاهد توقیف مکرر مطبوعات وابسته به خود بوده‌اند، اغلب عناوین گوناگون با عنوان نشریه وابسته به ارگان‌های حزبی داشته‌اند (جدای از خبرنامه‌های داخلی) که هیچ اثری از آرشیو برخی از این نشریات نه در خود احزاب و سازمان‌ها و نه در آرشیوهای وزارت ارشاد وجود نداشت. بنابراین برای تعیین حجم نمونه مطبوعات، با نامحدود فرض کردن جامعه آماری از طریق فرمول کوکران با ضریب ۹۵٪ حجم نمونه‌ای با استفاده از نمونه‌گیری احتمالی به تعداد ۳۸۵ شماره مطبوعات محاسبه گردید (مومنی، ۱۳۸۶: ۲۲۰)، از سویی نیز کل آرشیوهای موجود و در دسترس ۱۵۶۴ شماره بوده است. در جدول ۱ حجم نمونه هر دسته از مطبوعات و نشریات مورد مطالعه نسبت به حجم نمونه کل نشان داده شده است.

جدول ۱- توزیع فراوانی شمارگان نشریات و حجم نمونه

نشریات مورد مطالعه	تعداد کل شماره‌گان	حجم نمونه سرمقاله‌هایی که تحلیل محتوا گردید	در صد فراوانی نسبی
هفته نامه عصر نو و عصر ما			
روزنامه سلام			
روزنامه کارگزاران			
روزنامه هفته نامه مشارکت			
جمع کل			

ب: این جامعه آماری شامل فعالان حزبی می‌باشد که با توجه به عدم ارائه اطلاعات شفاف توسط احزاب و سازمان‌های سیاسی (مورد مطالعه) پیرامون تعداد اعضای هسته و شورای مرکزی‌شان در طول یک دهه، حجم نمونه‌ای به تعداد ۲۵ نفر از اعضای آنها برای مصاحبه انتخاب شد (که بعداً با توجه به محدودیت‌های پیش روی تحقیق، این میزان نمونه نیز تقلیل یافت به طوریکه میزان و نوع نمونه بواسطه تمایل به همکاری اعضای هسته و شورای مرکزی این احزاب و سازمان‌ها مشخص گردید)، در جدول ۲ حجم نمونه هر دسته از فعالان حزبی که با آنها مصاحبه گردیده، نسبت به حجم نمونه کل نشان داده شده است.

جدول ۲- توزیع فعالان حزبی و حجم نمونه کاهش یافته مصاحبه شونده‌ها

احزاب و سازمان‌ها	تعداد فعالان حزبی	حجم نمونه	تعداد حجم نمونه مصاحبه شده (تقلیل یافته)
سازمان مجاهدین	۱۸	۶	۳
مجمع روحانیون مبارز	۲۴	۶	۲
کارگزاران سازندگی	۲۲	۶	۳
مشارکت	۲۵	۷	۶
مجموع کل اعضا	۸۹	۲۵	۱۴

۷. **مصاحبه:** در این پژوهش مصاحبه بعنوان بخشی از استراتژی تحقیق و بعنوان مکملی (جهت غنای اطلاعات) در جمع آوری داده‌ها در نظر گرفته شده است، تا بدین طریق بتوان پشتوانه تحلیلی مناسبی با اعتبار بالایی ایجاد نمود. بر این اساس مصاحبه‌ها از نوع رسمی می‌باشند که در زمان‌های از پیش تعیین شده (عموماً توسط مصاحبه شونده‌ها)، در مکان‌هایی مشخص چون، اماکن (ساختمان‌های) احزاب و سازمان‌ها و یا دفاتر مصاحبه شونده‌ها (با توجه به جایگاه رسمی و حزبی که دارند) صورت گرفته

است. برای مصاحبه از روش نیمه ساخت یافته و از سوالات از قبل طراحی شده، استفاده شد. با توجه به آنکه سوالات با محوریت گزینه‌های شانزده گانه الگوی پژوهش طرح گردیده بود، با طرح هر سوال چشم انداز خاصی پیش روی مصاحبه شونده ایجاد می‌گردید که مصاحبه شونده سعی در پاسخ و ارائه توضیحاتی درباره آنها در کمال آزادی می‌نمود و در عین حال نیز مصاحبه شونده عقاید و افکار خود را با کلمات مخصوص خود بیان می‌داشت. از سویی با اینکه هنگام مراجعه به احزاب و سازمان‌های یاد شده ضمن ارائه مدارک پژوهشی، درخواست کتبی نیز برای انجام مصاحبه ارائه می‌گردید، اما حجم نمونه کاهش یافت بطوری که حجم نمونه مصاحبه شونده‌ها تنها کسانی از فعالان حزبی هستند، که حاضر به مصاحبه و همکاری شده‌اند. در جدول ۲ حجم نمونه کاهش یافته نشان داده شده است.

۸. **مقوله بندی:** مقوله بندی صورت گرفته در این پژوهش بر اساس طبقه بندی از عناصر سازنده گزینه‌های شانزده گانه الگوی تحلیلی می‌باشد. بدین ترتیب که هریک از این گزینه‌ها با تشخیص تفاوت‌های شان، بصورت قالب‌هایی در نظر گرفته شده‌اند که با گروه‌بندی مجموعه اطلاعات بر حسب معیارهای تعیین شده قبلی (نوع عناصر) اطلاعات در آنها قرار گرفته است، پس مقولات این امکان را ایجاد نموده‌اند که در دنیای اطلاعات و داده‌ها در جستجوی چه چیزهایی باشیم که بین عناصر تشکیل دهنده مقوله مشترک باشند، به عبارتی این ویژگی اشتراکی میان عناصر مقوله است که اجازه گروه‌بندی را به ما می‌دهد و با توجه به روش این پژوهش (که تحلیل محتوا است) تلاش شده که در توصیف داده‌ها از مضمون، صورت و ساختار داده‌ها در طبقه بندی و دسته‌بندی آنها بهره برده شود. بدین ترتیب که در بررسی مضمون داده‌ها سعی شد به ارزیابی و قضاوت‌های گوینده در خلال گفتارش توجه شود، در بررسی صورت داده‌ها تلاش شد که به بیان و کلام گوینده در مشخصات آن چون واژه‌ها، جملات و ترکیب کلمات توجه شود و در بررسی ساختار داده‌ها سعی شد ساختار و نظم نهفته کارکرد گفتار آشکار شود، به عبارتی با ساخت دادن به مفاهیم و گفتارها فهم آنها میسر گردد.

این سه روش جدا از آنکه در جمع‌آوری و گروه‌بندی داده‌ها بکار گرفته شده‌اند در تحلیل کیفی نیز از آنها استفاده شده است.

۹. **اعتبار و پایایی:** برای ارزیابی اعتبار یا روایی این پژوهش، از روش اعتبار صوری استفاده شده است. بدین معنا که با توجه به الگوی تحلیلی که مبنای استخراج و مقوله‌بندی داده‌ها و طرح سوال از مصاحبه شونده‌گان بوده است، این الگو نیز برگرفته از کتاب «فرهنگ سیاسی ایران» اثر «محمود سریع القلم» است که یک کار علمی مبتنی بر روش میدانی در زمینه بررسی فرهنگ سیاسی عشیره‌ای در ایران می‌باشد، که از روش کمی برای تحقیق استفاده شده است. لذا اعتبار ابزار و موضوع پژوهش و تناسب آنها با یکدیگر، قبلاً بواسطه یک پژوهش مشابه دیگر مورد سنجش قرار گرفته است. هر چند که در این تحقیق به تناسب موضوع و روش بکار گرفته شده الگوی تحلیلی مورد جرح و تعدیل قرار گرفته است. اما به لحاظ پایایی با توجه به محوریت بررسی‌های کیفی در این تحقیق نمی‌توان با نوع آزمون‌های پایایی که اختصاص به روش‌های کمی دارد بررسی‌های کیفی را به اثبات رسانید زیرا بررسی پایایی پژوهش‌هایی از این دست با مشکل و پیچیدگی همراه است از اینرو در پژوهش‌هایی از این دست باید هدف اساسی آن باشد که ذهنیت یکسویه محقق را به کمترین اندازه رساند (خانکی، ۱۳۸۱: ۱۷۰).

توصیف کلی

داده‌های این تحقیق از چهار دسته از منابع بدست آمده‌اند: دسته اول (نشریه) هفته نامه عصر ما وابسته به سازمان مجاهدین انقلاب است که ارگان حزبی این سازمان محسوب می‌گردد و از سویی نیز با سه نفر از اعضای شورای مرکزی آن مصاحبه انجام گرفت؛ دسته دوم (نشریه) روزنامه سلام وابسته به مجمع روحانیون مبارز است با اینکه برخی از اعضای مجمع، این روزنامه را ارگان حزبی مجمع

نمی‌دانستند ولی با توجه به انتشار اخبار و بیانیه‌های مجمع در این روزنامه و نبود هیچ نشریه و حتی سایتی در ارتباط با مجمع روحانیون مبارز، این روزنامه بعنوان ارگان حزبی مجمع در نظر گرفته شد بیانیه‌هایی هم پس از تعطیلی روزنامه سلام برای تقویت مطالب تحلیل محتوا گردید همچنین با دو نفر از اعضای شورای مرکزی مجمع مصاحبه انجام گرفت؛ دسته سوم (نشریه) روزنامه کارگزاران وابسته به حزب کارگزاران است که ارگان حزبی این حزب محسوب می‌شود با اینکه بنا به گفته اعضای حزب این نشریه «بسیار کم» بصورت ارگان وابسته حزبی فعالیت کرده است. همچنین در بدو تاسیس حزب کارگزاران نشریه «بهمن» وابسته به کارگزاران مدتی انتشار یافته است که آثاری از آن در آرشیوهای مختلف موجود نبود حتی اعضای حزب نیز از آن ابراز بی‌اطلاعی می‌نمودند، با سه نفر از اعضای هسته مرکزی این حزب هم مصاحبه انجام گرفت؛ دسته چهارم (نشریه) روزنامه مشارکت وابسته به حزب مشارکت است که ارگان حزبی این حزب محسوب می‌شود که پس از توقیف این روزنامه، مدتی «روزنامه نوروژ» بعنوان ارگان حزبی این حزب فعالیت کرده است که امکان دستیابی به آرشیو آن ممکن نگردید، با شش نفر از اعضای هسته مرکزی این حزب نیز مصاحبه انجام گرفت.

در بررسی چهار حزب و سازمان یاد شده برای غنای بیشتر مطالب و محتواها سعی گردید از آخرین مطالب در ارتباط با این احزاب و سازمان‌ها استفاده شود، بنابراین از بولتن‌های داخلی آنها در صورت وجود استفاده شد که در این باره از بولتن داخلی سازمان مجاهدین انقلاب با عنوان دوهفته‌نامه «عصر نو» و همچنین از بولتن داخلی حزب مشارکت با عنوان دو هفته‌نامه «مشارکت» استفاده شد. در بررسی نشریات نیز از سرمقالات استفاده شد که در صورت خبری یا گزارشی بودن آنها (به معنای عدم ارتباط با ارگان حزبی) سعی شد از عناوین دیگری چون؛ یادداشت و یادداشت روز،

سخن روز، اول دفتر، دیدگاه و نگاه روز استفاده شود که همگی از نظر اهمیت و بیان نظر، مورد قبول نشریات محسوب شده‌اند.

جدول ۳- چگونگی ساخت یابی احزاب و سازمان‌های اصلاح طلب

اهداف	قلمرو و تعلق گروه	علت پیدایش	تاریخ پیدایش	احزاب و سازمان‌ها
پاسداری از اصول، ارزش‌ها، آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی از جمله: نظام جمهوری اسلام، قانون اساسی، رشد و ارتقا سطح آگاهی‌های عقیدتی- سیاسی و ...	نیروهای انقلابی	اتتلاف گروه‌های مسلح انقلابی(منصورون، موحدین، توحیدی صف، امت واحده، فلاح، توحیدی بدر و فلق) با یکدیگر برای ایجاد سازمانی جدید	۱۳۵۸	سازمان مجاهدین انقلاب
ورود به عرصه‌های ادای یک وظیفه در برابر انقلاب اسلامی و آرمان‌های حضرت امام (ره) است. عرصه فعالیت‌های سیاسی کمک به نشاط جامعه است	روحانیون	اختلاف با برخی از اعضا جامعه روحانیت مبارز در مورد برخی مسائل سیاسی و انشعاب آنها از جامعه روحانیت مبارز	۱۳۶۶	مجمع روحانیون مبارز
تلاش در جهت تحقق عزت اسلامی، تداوم سازندگی و آبادانی ایران	وزرا و معاونان هاشمی رفسنجانی	حمایت از برنامه‌های سازندگی هاشمی رفسنجانی برای گسترش عدالت اجتماعی و رفاه عمومی	۱۳۷۴	کارگزاران سازندگی
ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت ملت ایران در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی که منجر به دخالت مستقیم آنان در سرنوشت سیاسی‌شان می‌گردد.	یاران سید محمد خاتمی	حمایت از خاتمی و برنامه‌هایش	۱۳۷۷	مشارکت

جدول ۴- ویژگی‌های احزاب و سازمان‌های اصلاح طلب

ویژگی بارز	دبیرکل‌ها	تاریخ تنظیم اساسنامه و مرامنامه	احزاب و سازمان‌ها
۱- بشدت تشکیلاتی ۲- انسجام بالا ۳- نخبه گرا	محمد سلامتی	آبان ۱۳۷۰	سازمان مجاهدین انقلاب
۱- نخبه گرا ۲- محدود بودن به روحانیون ۳- فعالیت محدود ۴- جزء پایه گذاران اصلاح طلبان	مهدی کروی، سید محمد خاتمی (ریس)	۱۳۶۷	مجمع روحانیون مبارز
۱- فراجناحی عمل کردن ۲- تغییر مواضع ۳- فعالیت محدود	غلامحسین کرباسچی	مرداد ۱۳۷۸	کارگزاران سازندگی
۱- فراگیری ۲- ساختار تشکیلاتی گسترده ۳- ایجاد ارکان مجزایی برای زنان	محمدرضاخاتمی، محسن میردامادی	دیماه ۱۳۷۷	مشارکت

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این پژوهش در دو قسمت ارائه می‌گردد؛ قسمت اول شامل یافته‌های مربوط به چگونگی ساخت‌یابی و ویژگی‌های احزاب و سازمان‌های مورد مطالعه می‌باشد که با مطالعه اسناد و مدارک و پرس و جو از اعضای احزاب و سازمان‌های یاد شده بدست آمده است و در جداول ۳ و ۴ بصورت خلاصه بیان شده است. قسمت دوم شامل یافته‌های تفصیلی تحقیق می‌باشد که بواسطه تحلیل محتوای متون مطبوعات و متن مصاحبه‌ها بصورت داده در گزینه‌های شانزده گانه، تحلیل کیفی شده‌اند.

یافته‌های تفصیلی

یافته‌های این تحقیق به تفکیک گزینه‌های شانزده‌گانه الگوی پژوهش ارائه می‌شود.

۱. تلقی از سیاست: اعتقاد به وجود رابطه میان دین و دولت.

سازمان مجاهدین انقلاب: رابطه‌ای اصولی و الزامی میان نهاد دین و دولت وجود دارد، آرایی که مردم در روز دوم خرداد به صندوق‌ها ریختند رأی به روحانیت و اسلام بود، رضایت مردم شرعی و قانونی است، زیست اجتماعی منطبق با روح اسلام، سمت‌گیری‌ها و آرمان‌های اسلامی حافظ اسلامیت نظام، جمهوریت برای اسلام طریقت دارد، جمهوریت و اسلامیت، جمهوریت ضامن اسلامیت.

مجمع روحانیون مبارز: حاکم اسلامی فرمانروا و فرمان او مطاع می‌باشد، پیوند حاکم با مردم ظاهری نیست و این پیوند با محبت و ولا و همبستگی عجین است، رسالت شرعی و قانونی، اعتبار قانونی و شرعی، اهمیت رأی مردم و نظام اسلامی، حکومت اسلامی محصول دین است، سیاست جزئی از دین، دین ناظر بر سیاست.

حزب کارگزاران سازندگی: آمیزش ناسیونالیسم و اسلامگرایی ایرانی، رئیس جمهور از میان روحانیون برخاسته بودند، جمهوری اسلامی مبنای آن اسلامی است که همه فقها روی آن اجماع دارند، مبنای دولت دین است و دولت حول دین سامان می‌یابد، رابطه معقولی میان دین و دولت وجود دارد، سیاست بصورت کاملاً حرفه‌ای و در عین حال مقید به احکام اسلامی ارزیابی می‌گردد.

حزب جبهه مشارکت: دین و دولت بعنوان دو نهاد مستقل از یکدیگرند، نوع رابطه دین و دولت با یکدیگر منوط به نوع جوامع و احساس نیاز و درخواستی که توسط جوامع نسبت به راهبردهای دین می‌شود متفاوت است، ملت ایران اسلام را می‌خواهد، اسلامی که به این مردم حرمت می‌گذارد.

۲. **تلقى از سیستم:** نظامی در چارچوب مواضع مردم، سیستمی که در پی متجدد شدن و پویایی دموکراسی خواهانه است.

سازمان مجاهدین انقلاب: نیروهای اصلاح طلب طرفدار انقلاب با پیشگامی خاتمی، ساختار حقوقی سیستم سیاسی ایران ساختاری دموکراتیک با موازین مدرن است، اصلاحات ساختاری، نگاهی عمل گرایانه، اصلاحات سیاسی، جامعه مدنی، حاکمیت قانون، احترام به آزادی‌های قانونی.

مجمع روحانیون مبارز: پگاه جامعه مدنی نوید بخش افق متالو در فردهای بهتر ایران اسلامی است، واقعیت موجود نوعی اجبار در تحمیل شرایطی است که با کاستی‌های جدی همراه می‌باشد، برنامه جدید، سلیقه جدید، مردم خواهان تنوع‌اند، مبارزه با ذهنیت سنتی، بهره‌گیری از نکات مثبت، جهان متجدد، کشمکش میان سنت و تجددگرایی، آغاز مرحله جدید.

حزب کارگزاران سازندگی: مواضع سیستم دائماً در حال تغییر است، سیستم حاوی مجموعه‌ای از گرایش‌ها، چرخش نخبگان و پویایی، حرکتی پیش‌بینی شده، سیستم حاکم بر ایران نظامی از پیش تعریف شده است، پویایی در بطن نظام است. حزب جبهه مشارکت: جامعه ما از انقلاب مشروطیت تا کنون در یک جستار و پویای مداوم و مبارز صد ساله به دنبال پیشرفت و رد و نفی روش‌های ناکارآمد بوده است، حرکت سیستم سیاسی ایران به سمت پویایی و متجدد شدن، حرکتی رو به جلو، تحولات عظیم، اصلاح، تحول خواهی و پیشرفت.

۳. **تلقى از حکومت مرکزی:** تمرکزگرا و نخبه‌گرا.

سازمان مجاهدین انقلاب: جنبش اصلاحات نیازمند مرکزی برای مهندسی و راهبری است، تقسیم تمرکز در سطح جامعه و نخبگان خارج از ساختار حکومت بنفع روند دموکراتیک است، ثبات، استحکام، اقتدار در نظام، قدرت متمرکز در حاکمیت کشور، اقتدار مرکزی در قلمرو حاکمیت ملی، خبرگان، رهبری.

مجمع روحانیون مبارز: در برخورد با یکدیگر و نهادها نباید اصل انقلاب و نظام جمهوری اسلامی زیر سوال برود، هر فردی که بخواهد در این نظام فعالیت کند باید با قبول مشروعیت این نظام فعالیت کند حال چه پیروز شود چه شکست بخورد، در تفکیک قوا احقاق حق راحت‌تر است و استبداد کمتر، مسئولان نظام و روحانیون، احساس مسئولیت در برابر نظام.

حزب کارگزاران سازندگی: بخش وسیعی از مسئولان رسمی نظام و بخشی از نخبگان کشور باید در فرآیند تصمیم‌سازی مشارکت کنند، قدرت میان تمام نخبگان در سطح جامعه و حکومت توزیع شده، کاهش تمرکز و پذیرش نخبگان خارج از طیف حاکم بر روند تصمیم‌گیری‌ها مثبت است، برخورد گزینشی با نخبگان جامعه برای آینده کشور مثبت نیست، اتحاد ملی، چتر ایرانی بودن، منافع ملی.

حزب جبهه مشارکت: برای حزب شخص، حزب و گروه مهم نیست بلکه نظام و آینده مردم اهمیت دارد، تمرکز مغل جامعه مدنی، تمرکز مانعی در راه جامعه مدنی، در شرایط فعلی نقش نخبگان در این تمرکز محدود به خواست و اراده نخبگان حاکم است، خواست و اراده نخبگان، نخبگان خارج از ساختار حکومت.

۴. **تلقی از اقتدار حکومت مرکزی:** اقتدار مقدس و شرعی است بخشی از آن برخاسته از خواست مردم می‌باشد.

سازمان مجاهدین: در تفسیر اصلاح طلبان "جمهوری اسلامی" حکومتی است از نوع مردم سالار دینی، اقتدار حکومت مرکزی برخاسته از مبانی دموکراتیک و خواست مردم است، اقتدار واقعی از آن مردم، اقتدار واقعی برخاسته از خواست مردم، مردم بخواهند می‌توانند حکومتی دینی را انتخاب کنند.

مجمع روحانیون مبارز: در محور حکومت ما یک عالم بزرگوار تربیت شده حوزه‌های علمیه مسئولیت رهبری را برعهده دارند، خدمت به اسلام، انقلاب دینی، انقلاب اسلامی، موازین اسلامی، ما می‌خواهیم با نام اسلام و پیامبر(ص) کشوری

بسازیم، رهبری و مراجع سرمایه‌های گرانقدر نظام و ملت‌اند، اسلام و انقلاب و رای آن صداهاست، روحانیون معزز.

حزب کارگزاران سازندگی: نظام حاکم سعی می‌کند خود را مقدس جلوه دهد درحالی که تحت هیچ شرایطی تقدس و شرعیتی ندارد، حکومت امری عرفی است، حکومت باید پاسخگوی مردم باشد، قداست قدرت حکومت ایران مبتنی و متکی بر قوای سه گانه است.

حزب جبهه مشارکت: حکومت صرفاً امری دنیای است که اصحاب قدرت مسائل شرعی را چاشنی آن قرار می‌دهند، خواست مردم بیش از هر چیز مهم است، اراده مردم، اگر مردم بخواهند.

۵. **تلقی از رهبران سیاسی:**^۱ افرادی که یا روحانی‌اند یا مدافع پایگاه روحانیت، افرادی که قدرت آنها بر آمده از مذهب و خواست مردم است.

سازمان مجاهدین: استقرار مقام ولایت در جایگاه فرا جناحی خویش بود که مردم را به مشارکت مشتاقانه و فعال در انتخابات کشاند، مردم به خوبی خود عهده‌دار نظارت شدند، علت موجد حکومت دینی در عصر غیبت - تفوق نظریه ولایت و حکومت عالمان و فقیهان مسلمان - امحا نظام سلطنتی و استقرار دولت اسلامی است، رهبران نباید الزاماً از یک قشر و صنف خاص باشند، رهبران می‌توانند در صورت خواست مردم از هر صنف و قشری باشند.

مجمع روحانیون مبارز: رهبران، باید معتقد به مبانی اسلامی بوده و معتقد به خواست مردم باشند، رجال سیاسی باید معتقد به مبانی فکری و سیاسی اسلام و متخلص به خلق و خوی اسلامی باشند، نظریات حضرت امام در مورد انتخابات و

۱- اما نکته‌ای که در مورد این چهار حزب و سازمان لازم است بیان شود این است که تمام مصاحبه شونده‌های این چهار حزب و سازمان نظرات خود را درباره رهبران بصورت عام بیان نمودند و همگی معتقد بودند منظورشان از رهبران، مقام معظم رهبری نیست، چرا که شرایط این مقام را قانون اساسی معین کرده است.

احترام به رای و شعور مردم، رهبران جامعه باید از شرایطی چون مسلمان بودن و اجرای احکام اسلامی برخوردار باشند.

حزب کارگزاران سازندگی: برخوردار بودن رهبران از پایگاه مذهبی و سنتی شرط لازم و در عین حال خواست مردم بعنوان شرط کافی است، تبلور ارزش‌های اسلامی در رهبران و مقید بودن به ارزش‌های اسلامی ملاک است، خواست مردم بعنوان شرط اساسی برای رهبران است.

حزب جبهه مشارکت: ملاک منتخب بودن و نمایندگی رهبران از سوی مردم است، روحانی و غیرروحانی همگی با رای مردم انتخاب شده‌اند، فکر نمی‌کنیم در جهت تحریر نظام تفاوتی بین روحانی و غیرروحانی وجود داشته باشد، رهبران جامعه نباید از یک صنف و قشر خاص باشند، خواست و اراده مردم.

۶. روش کسب قدرت: فعالیت در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی، تشکل‌یابی

و حرکت در چارچوب قانون و شرکت در جریان انتخابات.

سازمان مجاهدین: تبدیل نیروهای اجتماعی به قدرت موثر تنها از طریق تشکل‌یابی، سازماندهی نیروهای اجتماعی برای گسترده کردن و تبیین مبارزه اصلاحی، سازمان‌یابی نیروهای اجتماعی و سیاسی در قالب تشکل‌ها، چارچوب‌های قانونی، احزاب سیاسی، نهادهای مدنی، جغرافیای سیاسی جناح‌ها، مشارکت‌های اجتماعی.

مجمع روحانیون مبارز: واقعیت این است که ما احزاب منسجم و بزرگ نداریم و شرایط فعلی زمان مناسبی برای شکل‌گیری این تشکل‌ها است، نباید حضور در حزب و گرایش‌های حزبی بعنوان نقطه ضعف افراد مطرح باشد، احزاب منسجم، تشکل‌ها، توسعه در گرو تشکیل احزاب، فعالیت حزبی، تشکل‌های سیاسی.

حزب کارگزاران سازندگی: فراز و فرودها در احزاب سیاسی، تحقق شعارها،

جریان فکری، اعتماد مردم، نقش آرای مردم، سازوکارهای دموکراتیک، فعالیت حزبی.

حزب جبهه مشارکت: باید قوانینی به تصویب برسد که به تقویت احزاب کمک کند، نهادهای مدنی مردم سالار در جامعه، نهادینه شدن قدرت، ایجاد نهادهای مدنی، مطالبات مردم، سازوکارهای انتخاباتی.

۷. **هویت سیاسی اجتماعی:** پایبندی به ارزش‌های اسلامی و قبول سازوکارهای دموکراتیک.

سازمان مجاهدین انقلاب: جمهوریت و اسلامیت در اندیشه انقلاب اسلامی با یکدیگر پیوندی ماهوی دارند، انقلاب متکی به آن قرائتی از اسلام است که جمهوریت را مشروع، مفید و ضروری بعنوان یکی از اصول اندیشه سیاسی خود می‌داند، جلوگیری از فعالیت احزاب و رقابت سیاسی موجب پیدایش باندهای قدرت و احزاب بی نام و نشان خواهد شد، احزاب و گروه‌های سیاسی نهادهایی هستند که از سوی مجموعه افراد همفکر و دارای عقیده و ایدئولوژی با راهبرد مشخص برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های معین شکل می‌گیرند، ارزش‌های اسلامی و سازوکارهای دموکراتیک.

مجمع روحانیون مبارز: پذیرش نظام اسلامی و قبول سازوکارهای دموکراتیک، پایبندی به ارزش‌های انقلاب و اسلام، نهادها و تشکلهای آشکار و مستقل بنوعی سازمان‌ها و نهادهای غیررسمی هستند که اعمال قدرت و سیاست می‌کنند، وجود احزاب، تشکلهای و نهادهای مدنی بعنوان موفق‌ترین تجربه دنیا، بهترین سازمانی می‌باشند که مردم می‌توانند درون آن تامل کنند.

حزب کارگزاران سازندگی: حزب کارگزاران شامل مجموعه‌ای از مسلمانان است که به امام، نظام جمهوری اسلامی و مفهوم اسلام‌گرایی از دیدگاه امام خمینی اعتقاد راسخ دارند، اگر بتوانیم مسلمان خوبی باشیم و در چارچوب اسلام حرکت کنیم می‌تواند مبنای هویت‌مان باشد، هویت مردم را خود مردم می‌سازند، حرکت‌های اصلاحی در چارچوب قانون مبنای هویت است.

حزب جبهه مشارکت: ضرورت‌ها و الزامات کارجمعی و تشکیلاتی، استمرار و پویایی در کنار نظم و اخلاق تشکیلاتی، نگرش انقلابی، ارزش‌های اسلامی، وابستگی به ساختاری که بیرون حکومت شکل می‌گیرد، تشکل‌ها و نهادهای مدنی را می‌توان مبنای هویت دانست.

۸. قواعد بازی سیاسی: دوری از انحصارگرایی، پذیرش اصل رقابت و دوری از

ستیز در قدرت.

سازمان مجاهدین انقلاب: اصلاح طلبان نه خواهان حذف جریان‌های سیاسی رقیب از صحنه سیاسی و یا مجلس هستند و نه اعتقادی به تقسیم‌بندی‌های فراملیتی قدرت در ساخت نظامی‌دارند، فراهم سازی بستری آرام، دوری از هر گونه انحصارگرایی، عدم سوء استفاده از قدرت، عدم نقض قواعد مشارکت، رقابت دموکراتیک، دوری از هر گونه شیوه‌ها و شگردهای غیر قانونی، دوری از رویکردهای قیم مآبانه.

مجمع روحانیون مبارز: احزاب و گروه‌ها باید ضمن آموختن قواعد بازی سیاسی از تبدیل رقابت به منازعه جلوگیری کنند، جامعه‌ای که در آن تنها یک سلیقه اعمال شود و حیات داشته باشد جامعه‌ای مرده و بی تحرک است، وجود اکثریت و اقلیت در جامعه اسلامی طبیعی است، مخالفت با خط کشی‌ها، مخالفت با قیچی کردن‌ها و نفی و انکارها، مخالفت با به کار گرفتن خشونت به جای گفتگو، مخالفت با اعمال یک سلیقه، تنوع دیدگاه‌ها، رعایت اخلاق، حرمت و کرامت انسان‌ها.

حزب کارگزاران سازندگی: جناح راست منشا همه گرفتاری‌های کشور نیست، برایمان مهم نیست در دوره‌ای در اقلیت باشیم، ای کاش رقیب از برخی بداخلاقی‌ها و روش‌های غلط برای انتقال قدرت به خود استفاده نکرده بود، خوشحالیم که قدرت در کشور ایران می‌تواند با رای مردم جا به جا شود، رعایت اخلاق و اصول اسلامی، پرهیز از هر نوع حرمت شکنی، عرضه خود بدون تخریب دیگران، رعایت شأن، قواعد بازی

رقابتی سالم و در چارچوب قانون، شفاف بودن و شفاف عمل کردن، تکیه بر آرای مردم و وجدان عمومی.

حزب جبهه مشارکت: هتک حرمت در مورد هیچ کاندیدایی نباید باشد، نقد عمل را از هتک حرمت جدا می‌کنیم، عناصر سیاست ورزی اصلاح طلبانه از جمله گفتگو، تعامل و تفاهم است، نقد اصلاح گرایانه در مصاف با رقبا، ایجاد ظرفیت نقد در جامعه، رعایت قانونمندی و زمینه برای عرضه خود به دیگران، همزیستی مسالمت آمیز.

۹. **روش کسب کارآمدی سیاسی:** برخورداری از تعهد و تخصص در کنار

یکدیگر.

سازمان مجاهدین انقلاب: شایستگی در حد لازم و احتمال موفقیت، صور علمی و کارشناسانه، برخورداری از دو مقوله تعهد و تخصص به نسبت مساوی.

مجمع روحانیون مبارز: تعهد نسبت به کار، داشتن دانش و تجربه کافی، تعهد نسبت به حرفه وجود داشته باشد، برای ارائه هر اندیشه و برنامه کارشناسانه‌ای افراد باید از تعهد لازم برخوردار باشند.

حزب کارگزاران سازندگی: مخالفت با عملکرد ضد کارشناسانه، تنها روش کسب کارآمدی سیاسی تخصص است، اگر تعهدی هم هست باید از دل تخصص بیرون بیاید، مسائل کارشناسی کشور را باید صرفاً در حوزه علم و تجربه ارزیابی کرد.

حزب جبهه مشارکت: معیاری برای سنجش تعهد نداریم، تخصص و ارائه برنامه باید دست بالا و در اولویت باشد، تعهد در جایگاه دستکم قرار دارد، تخصص صرف همراه با نخبگی.

۱۰. **تلقی از هزینه سیاسی:** عدم اعتقاد به هزینه سیاسی در عین حال بالا

دانستن هزینه‌های سیاسی در جامعه.

سازمان مجاهدین انقلاب: در ایران هزینه‌های گوناگونی برای کار سیاسی وجود دارد که بصورت تهدیدی دائمی بر فعالیت‌های سیاسی سایه افکنده، برخی از این هزینه‌ها از نظر این سازمان عبارتند از؛ از دست دادن موقعیت اجتماعی، شغلی، معیشتی

و سخت‌گیری‌ها [پس این سازمان معتقد است] باید کسانی که هزینه کار سیاسی را می‌پردازند، به مناصب کلیدی منصوب شوند نه اینکه مسئولیت‌ها به کسانی سپرده شود که همواره از فواید سیاسی کاری - و نه فعالیت سیاسی - بهره‌مند می‌گردند، وضعیت ایده‌آل این است که فعالیت‌های سیاسی نه تنها هزینه‌ای نداشته باشد بلکه مورد تشویق نیز قرار گیرد.

مجمع روحانیون مبارز: اصل اصیل انقلاب برخورد با تخلف و متخلف است ولی باید بگونه‌ای عمل شود که جامعه قبول کند که اساس، برخورد با متخلف است نه تصفیه حساب، زمانی مسئولان و مدیران به کار دلگرم می‌شوند که با مشی قانونی با آنان برخورد شود، فعالیت‌های سیاسی در جامعه ایران هزینه‌های بالایی دارند. حزب کارگزاران سازندگی: [این حزب ضمن ابراز نارضایتی از هزینه‌های سیاسی معتقد است] هزینه‌های سیاسی جامعه ایران بالا و سنگین است، فعالیت سیاسی در ایران مترادف با راه رفتن روی لبه تیغ است و عواقب مادی معیشتی دارد، از دست دادن فرصت‌ها.

حزب جبهه مشارکت: [این حزب ضمن مخالفت با هرگونه هزینه سیاسی معتقد است] در ایران هزینه‌های سیاسی در سطح بالایی قرار دارد، اعم این هزینه‌ها عبارتند از: حذف چهره‌های موثر و برنامه‌ریز سیاسی و فکری، آشوب طلبی و بحران به قصد انسداد سیاسی، متوقف کردن روند قانون مدار رقابت‌های سیاسی، ممانعت از استقرار آزادی‌های مشروع قانونی بویژه در قلمرو مطبوعات و احزاب و نهادهای مدنی، سلب امنیت و آسایش، ایجاد تنگناها و نگرانی‌ها، فشارهای روانی.

۱۱. مبنای اعتماد درون گروهی: اصلاحات و باورهای اصلاح طلبانه.

سازمان مجاهدین انقلاب: جهان بینی مشترک مبنای اتحاد در سازمان و ائتلاف و اتحاد با سایر احزاب و گروه‌های همفکر و همراه است، اتحاد و ائتلاف ایدئولوژیک بر سر بنیانی‌ترین آرمان‌ها و با اتکاء به جهان بینی مشترک، رویکردهای اصلاحی استراتژی‌هایی که مبتنی بر عمل سیاسی مسالمت آمیز قانونی که معطوف به اصلاح

ساختارها بوده و از طرفی مورد قبول مردم هستند، رعایت قواعد جامعه مدنی، مشی اصلاح طلبانه.

مجمع روحانیون مبارز: برنامه‌های مشخص و توجه به نوع مشارکت و خواست مردم مبنای اعتماد است، درک مشترک از مفهوم اصلاح که در برگیرنده منافع ملی است مبنای اعتماد می‌باشد.

حزب کارگزاران سازندگی: حاکم شدن یک فضای متعادل برای پیشبرد برنامه سازندگی و نوگرایی، احزاب باید به صورت ائتلافی با هم کار کنند تا در انتخابات آتی توان جذب و سازماندهی مخاطبان نوگرایی را داشته باشند، اعتماد و همکاری گروه‌ها، نزدیکی آرمان‌های اصلاحی، مبانی فکری و انعطاف پذیری.

حزب جبهه مشارکت: ائتلاف دست بالایی،^۱ مطالبات دست کمی،^۲ حضور فعال در عرصه فعالیت‌های انتخابات، شرکت در انتخابات، تقسیم کار بر اساس مزیت‌های نسبی گروه‌های شرکت کننده در ائتلاف، اصول اصلاحی، منافع مشترک و عمومی.

۱۲. مبنای اعتماد خارج از گروه یا جناح: جمهوریت و اسلامیت نظام و مقابله با دشمنان نظام.

سازمان مجاهدین انقلاب: چگونگی برخورد با امپریالیسم امریکایی و انگلیس بعنوان قدرت‌های استعماری و عمده ترین دشمنان انقلاب، خنثی سازی توطئه‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی است که نظام را تثبیت می‌کند و باعث افزایش ضریب امنیت ملی و اقتدار و سربلندی کشور در جهان شده و پویایی، نشاط، سرزندگی، وحدت و همبستگی کم نظیری در داخل کشور را موجب می‌گردد، مقابله با تهدیدات بیگانگان و بیگانه ستیزی، مسئله امنیت ملی و تهدیدات بر علیه کشور بعنوان عامل وحدت بخش.

۱- حداکثری

۲- حداقلی

مجمع روحانیون مبارز: حضور و مشارکت گسترده مردم در انتخابات بعنوان عاملی که ضد انقلاب و منافقین را دچار یاس و درماندگی عظیمی می‌کند و تبلیغات مخرب جهانی علیه نظام و انقلاب را خنثی می‌نماید، پاسداری از حقوق اساسی ملت به عنوان پاسداشت سرمایه‌های ملی کشور.

حزب کارگزاران سازندگی: آنچه در میان این دو جناح مبنای همکاری و تعامل با یکدیگر باید قرار گیرد مسئله امنیت ملی است، اگر تعاملی بین دو جناح برقرار شود که از دل آن رعایت قواعد بازی بیرون بیاید سامان بخشی فضای سیاسی با سرعت بیشتری محقق می‌شود، نظام سیاسی کشور به عنوان مدیریت کلان، آرمان‌های کلی و غلیان تهدیدات، بدنبال ارتقای سطح کشور در منطقه و جهان.

حزب جبهه مشارکت: حساسیت‌ای بین‌المللی در زمینه پرونده هسته‌ای که منطقی‌اً اتحاد و تقویت همبستگی در داخل را جهت تامین منافع و امنیت ملی ایجاب می‌کند، قانون اساسی و تمامیت ارضی.

۱۳. تلقی از تریبون‌ها: صدا و سیما، نماز جمعه، نشریات و مطبوعات.

سازمان مجاهدین انقلاب: صدا و سیما بعنوان برجسته ترین تریبون است، نماز جمعه بعنوان یک تریبون، عصر نو یک ارگان حزبی رسانه رسمی است، در سطح کلان تر رسانه ملی، در فضای اینترنتی همه آزاد هستند.

مجمع روحانیون مبارز: تشکل‌ها باید مبنای و مواضع خود را تبیین کنند و دارای یک نشریه باشند و با مردم سخن بگویند، صدا و سیما و مطبوعات و تریبون‌های مساجد و تکایا نباید بر علیه یک جناح عمل کنند، هر تشکل و گروهی باید از تریبونی برخوردار باشد، تریبون‌های نماز جمعه، مساجد و روزنامه‌هایی که با اموال عمومی اداره می‌شوند.

حزب کارگزاران سازندگی: خطبه‌های نماز جمعه تهران چه بخواهیم و چه نخواهیم یکی از تریبون‌های رسمی است، صدا و سیما بعنوان تریبونی که ۷۰ درصد توجه مردم را به خود دارد، در یک جهش جدید حزب [کارگزاران] تصمیم گرفت که

یک روزنامه منتشر کند زیرا در گذشته سعی می‌شد برای بیان دیدگاه‌ها از رسانه‌های دیگر استفاده کنیم.

حزب جبهه مشارکت: استفاده از رسانه‌هایی مثل صدا و سیما و نماز جمعه، صدا و سیما بعنوان اثر گذارترین و اصلی‌ترین و با نفوذترین تریبون است، مطبوعات، نماز جمعه، منابر، نمایندگان مجلس در صورتی که جزء حزب باشند، فضای مجازی و اینترنت.

۱۴. روش‌های برتری جویی: رقابت در انتخابات و جلب آرای مردم.

سازمان مجاهدین انقلاب: اصلی‌ترین و عمده‌ترین تکیه گاه جنبش اصلاحی، افکار عمومی و حمایت‌های مردمی است، مشارکت در ساختار قدرت و تبدیل شدن به اکثریت، ساز و کارهای قانونی، امکان مشارکت اقشار گوناگون اجتماعی و جریان‌های سیاسی در حد توان، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مناسب در تبدیل شدن به اکثریت، کارهای قانونی و دموکراتیک و روش‌های مدنی.

مجمع روحانیون مبارز: احزاب، گروه‌ها و تشکل‌های گوناگون نیز در معرفی نامزدهای شایسته و توانا و برگزاری انتخابات سالم و قوی کوتاهی نکنند، برگزاری انتخابات، دست اندرکاران محترم انتخابات نیز به وظیفه الهی، مردمی و قانونی خود در برگزاری انتخابات سالم و پرمایه عمل کنند، پاسدار رای مردم، مجراهای تحقق حاکمیت ملت، شرکت فعال مردم، عرضه افراد و گروه‌ها به مردم، تصمیم‌گیری مردم، ساز و کارهای قانونی.

حزب کارگزاران سازندگی: استفاده از ابزارهای قانونی در چارچوب اهداف و آرمان‌های اسلامی، اکنون با درکی معلوم تر از خواست‌های مردم و ارائه راهکاری منطقی کاندیدای خود را به قضاوت مردم گذاشته‌ایم، حاکمیت و خواست مردم، فکر برتر و قدرت انتقال آن به مردم، ابعاد مشارکتی و اجتماعی جامعه‌ای فکر کردن.

حزب جبهه مشارکت: مردم رشید و آگاه ما به خوبی نشان داده‌اند که حرف خود را از طریق قانون و در پای صندوق‌های رای می‌زنند، روش‌های دموکراتیک، کسب

اعتماد اجتماعی، داشتن برنامه ریزی، ارائه نقطه نظرات و عرضه آن به جامعه، سازمان‌یابی، نقش رای مردم، استفاده از نهادهای سنتی قدرت بنحوی که رانت دولتی تلقی نشود، گسترش تشکیلات نهادهای مدنی و مشارکت مستمر و دائم .

۱۵. روش تصمیم‌گیری: اعتقاد به نقش احزاب، سازمان‌ها و تشکل‌های سیاسی

در فرآیند تصمیم‌سازی و اعتقاد به نقش دولت در فرآیند تصمیم‌گیری.

سازمان مجاهدین انقلاب: در فرآیند تصمیم‌گیری آحاد جامعه اعم از احزاب، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی می‌توانند دخالت داشته باشند، احزاب، سازمان‌ها و نهادهای مدنی نقش حلقه واسطی میان دولت و جامعه دارند، موضوع تکمیل برنامه اصلاحی می‌باید هرچه سریع‌تر در دستور کار احزاب، نهادهای علمی، فرهنگی و نیز محققان و فرهیختگان قرار گیرد.

مجمع روحانیون مبارز: همه نهادهای سیاسی و اجتماعی اعم از احزاب، سازمان‌ها، نهادهای مدنی، شوراهای، دانشگاه‌ها، حوزه‌ها، برجستگان و صاحبان اندیشه، دانش و خرد می‌توانند در تصمیم‌سازی‌ها نقش داشته باشند و بعنوان حلقه واسط میان دولت و جامعه عمل کنند، تصمیم‌گیرندگان نهادها و کسانی هستند که قانون اساسی و به طور کلی قانون مشخص کرده است، تشکل‌هایی می‌توانند نقش خود را در جامعه مدنی ایفا کنند که دولت ساز باشند.

حزب کارگزاران سازندگی: تصمیم‌سازی‌ها معمولاً در سطح کارشناسی بواسطه یک کار جمعی و در سطح نخبگان ممکن است، تصمیم‌گیری‌ها در سطوح قانونی که عموماً کار فردی و در حوزه و اختیارات افرادی است که در قانون مشخص شده‌اند.

حزب جبهه مشارکت: در فرآیند تصمیم‌سازی‌ها، احزاب، تشکل‌ها، نهادهای مدنی، مؤسسات دولتی و غیر دولتی، بدنه کارشناسی دولتی و غیر دولتی می‌توانند تاثیرگذار باشند و نقش داشته باشند، در سطح کلان‌تر وظیفه تصمیم‌گیری بر عهده دولت و نهادهایی است که قانون مشخص کرده مانند: قوای سه‌گانه، بر مبنای قانون اساسی عمل کردن باعث رنجش هیچ‌کس نخواهد شد، کشور بر اساس قانون اساسی

اداره می‌شود و این قانون مورد قبول همه افراد ملت از رهبری گرفته تا عامه مردم می‌باشد.

۱۶. روش حل اختلاف با دیگران: حکمیت نخبگان، گفتگو و پذیرش رای اکثریت. سازمان مجاهدین انقلاب: بهره‌گیری از روش‌های دموکراتیک، گفتگو و مراجعه به آرای نخبگان، ساز و کارها و مراجع دموکراتیک حل اختلاف، نهادها و کمیته‌های حل اختلاف، مراجعه به آرای افراد مورد قبول و نخبگان، تضارب آرا و رقابت‌های تئوریک چون گفتگو و مناظره می‌تواند مرجع حل اختلافات باشد.

مجمع روحانیون مبارز: جناح خط امام از همان اول مسائل را با مقام رهبری در میان می‌گذاشت، اختلافات نباید به صحنه معارضه تبدیل شود بلکه باید اختلافات به صحنه مباحثه مبدل شود، ما باید تمرین کنیم که در جامعه سلیقه‌ها و دیدگاه‌های گوناگون در کنار هم باقی بمانند، پذیرش یکدیگر با حرکت در بستر قانونی، بجای خصومت بحث و گفتگو.

حزب کارگزاران سازندگی: صندوق‌های رای، اختلافات را حل می‌کنند، در درون جبهه اصلاحات گفتگو و حضور افراد موجه و صاحب نام به حل اختلاف کمک می‌کند، روش گفتگو و نهادهای داوری، داور نهایی مردم‌اند، میزگرد و مناظره در چارچوب قانون همراه با حفظ احترام.

حزب جبهه مشارکت: تبادل نظر و گفتگو، برگزاری نشست‌ها، مناظره در سطح قانونی، اقناع بواسطه بحث و تضارب آرا، مراجع به آراء اکثریت، اعتقاد داشتن به آراء و نقش نخبگان، مذاکره و مناظره مثبت و سازنده.

تحلیل نهایی داده‌ها

در تحلیل نهایی داده‌ها سعی شده است که با گنجاندن گزینه‌های اصلی الگوی تحلیلی به عنوان «مؤلفه‌های اصلی فرهنگ سیاسی احزاب و سازمان‌های سیاسی ایران»،

جدول ۵- مؤلفه های فرهنگ سیاسی احزاب و سازمان‌های توسعه‌گرا

مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی احزاب و سازمان‌ها	(۱) تلقی از سیاست	(۲) تلقی از سیستم سیاسی	(۳) تلقی از حکومت مرکزی	(۴) تلقی از اقتدار حکومت مرکزی	(۵) تلقی از رهبران سیاسی	(۶) روش کسب قدرت	(۷) هویت سیاسی اجتماعی	(۸) قواعد بازی سیاسی
سازمان مجاهدین انقلاب	اعتقاد بوجود رابطه میان دین و دولت	اعتقاد به دموکراتیک بودن ساختار حقوقی نظام	نخبه‌گرا و دوری از تمرکزگرایی	اقتدار برخوردار از خواست مردم است	افرادی که قدرت آنها برآمده از مذهب وخواست مردم است	فعالیت در احزاب و گروه‌ها، تشکلیابی و حرکت در چارچوب قانون	پایبندی به ارزش‌های اسلامی و قبول سازوکارهای دموکراتیک	دوری از انحصارگرایی، پذیرش اصل رقابت و دوری از ستیز در قدرت
مجمع روحانیون مبارز	اعتقاد بوجود رابطه میان دین و دولت	اعتقاد به دموکراتیک بودن ساختار حقوقی نظام	نخبه‌گرا و دوری از تمرکزگرایی	اقتدار مقدس و شرعی است	افرادی که قدرت آنها برآمده از مذهب وخواست مردم است	فعالیت در احزاب و گروه‌ها، تشکلیابی و حرکت در چارچوب قانون	پایبندی به ارزش‌های اسلامی و قبول سازوکارهای دموکراتیک	دوری از انحصارگرایی، پذیرش اصل رقابت و دوری از ستیز در قدرت
حزب کارگزاران سازندگی	اعتقاد بوجود رابطه میان دین و دولت	اعتقاد به دموکراتیک بودن ساختار حقوقی نظام	نخبه‌گرا و دوری از تمرکزگرایی	اقتدار برخوردار از خواست مردم است	افرادی که قدرت آنها برآمده از مذهب وخواست مردم است	فعالیت در احزاب و گروه‌ها، تشکلیابی و حرکت در چارچوب قانون	پایبندی به ارزش‌های اسلامی و قبول سازوکارهای دموکراتیک	دوری از انحصارگرایی، پذیرش اصل رقابت و دوری از ستیز در قدرت
حزب جبهه مشارکت	دین و دولت مستقل از یکدیگرند	اعتقاد به دموکراتیک بودن ساختار حقوقی نظام	نخبه‌گرا و دوری از تمرکزگرایی	اقتدار برخوردار از خواست مردم است	افرادی که قدرت آنها برآمده از خواست مردم است	فعالیت در احزاب و گروه‌ها، تشکلیابی و حرکت در چارچوب قانون	پایبندی به ارزش‌های اسلامی با تاکید بیشتر بر سازوکارهای دموکراتیک	دوری از انحصارگرایی، پذیرش اصل رقابت و دوری از ستیز در قدرت

ادامه جدول ۵- مؤلفه های فرهنگ سیاسی احزاب و سازمان های توسعه گرا

مؤلفه های فرهنگ سیاسی احزاب و سازمانها	(۹) روش کسب کارآمدی سیاسی	(۱۰) تلقی از هزینه سیاسی	(۱۱) مبنای اعتماد درون گروهی	(۱۲) مبنای اعتماد خارج از گروه یا جناح	(۱۳) تلقی از تریبون	(۱۴) روش برتری جویی	(۱۵) روش تصمیم گیری	(۱۶) روش حل اختلاف
سازمان مجاهدین انقلاب	برخورداری از تعهد و تخصص در کنار یکدیگر	عدم اعتقاد به هزینه سیاسی، بالا دانستن هزینه های سیاسی در جامعه	اصلاحات و باورهای اصلاح طلبانه	جمهوریت و نظام و مقابله با دشمنان نظام	صدا و سیما، نماز جمعه، نشریات و مطبوعات فضای اینترنت	رقابت در انتخابات و جلب آرای مردم	اعتقاد به نقش احزاب، سازمانها در فرآیند تصمیم سازی و نقش دولت در تصمیم گیری	حکمت نخبگان، گفتگو و پذیرش رای اکثریت
مجمع روحانیون مبارز	برخورداری از تعهد و تخصص در کنار یکدیگر	عدم اعتقاد به هزینه سیاسی، بالا دانستن هزینه های سیاسی در جامعه	اصلاحات و باورهای اصلاح طلبانه	جمهوریت و مقابله با دشمنان نظام	صدا و سیما، نماز جمعه، مساجد و تکایا، نشریات و مطبوعات	رقابت در انتخابات و جلب آرای مردم	اعتقاد به نقش احزاب، سازمانها در فرآیند تصمیم سازی و نقش دولت در تصمیم گیری	حکمت نخبگان، گفتگو و پذیرش رای اکثریت
حزب کارگزاران سازندگی	برخورداری از تخصص گرایی صرف	عدم اعتقاد به هزینه سیاسی، بالا دانستن هزینه های سیاسی در جامعه	اصلاحات و باورهای اصلاح طلبانه	جمهوریت و مقابله با دشمنان نظام	صدا و سیما، نماز جمعه، نشریات و مطبوعات	رقابت در انتخابات و جلب آرای مردم	اعتقاد به نقش کارشناسان و نخبگان در تصمیم سازی و نقش دولت در تصمیم گیری	حکمت نخبگان، گفتگو و پذیرش رای اکثریت
حزب جبهه مشارکت	برخورداری از تخصص گرایی صرف	عدم اعتقاد به هزینه سیاسی، بالا دانستن هزینه های سیاسی در جامعه	اصلاحات و باورهای اصلاح طلبانه	جمهوریت و مقابله با دشمنان نظام	صدا و سیما، نماز جمعه، نمایندگان مجلس، نشریات و مطبوعات فضای اینترنت	رقابت در انتخابات و جلب آرای مردم	اعتقاد به نقش احزاب، سازمانها در فرآیند تصمیم سازی و نقش دولت در تصمیم گیری	حکمت نخبگان، گفتگو و پذیرش رای اکثریت

فضایی که از طریق تحلیل محتوای سرمقاله‌ها و متن مصاحبه‌ها - که در قسمت یافته‌های تفصیلی آمده است - بعنوان انعکاسی از عناصر اصلی فرهنگ سیاسی احزاب و سازمان‌های توسعه‌گرا در نظر گرفته شود، که در این فضا احزاب و سازمان‌های مورد مطالعه به طرح عناصر اصلی فرهنگ سیاسی خود پرداخته‌اند. اطلاعات جدول ۶ مؤید مؤلفه‌های اصلی فرهنگ سیاسی احزاب و سازمان‌های مورد مطالعه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

جامعه سیاسی ایران با وصف آنکه در تجربه یک قرن افتان و خیزان احزاب و گروه‌های سیاسی قرار دارد، اما هنوز احزاب و گروه‌های سیاسی به معنای جامعه شناختی جایگاه خود را در بطن جامعه نیافته‌اند. از سویی باتوجه به اینکه ساختار سیاسی و فرهنگی جامعه ما در معرض طی نمودن روند نوسازی و تجربه گفتمان‌های جدید است که احزاب و سازمان‌های توسعه‌گرا به عنوان حامیان این جنبش خود را عامل سرعت بخش به روند نوسازی و حاملان گفتمان‌های جدید می‌دانند، پس شناخت فرهنگ سیاسی این احزاب و سازمان‌ها ضروری می‌نمود.

در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از رویکردی تاریخی در تحلیل فرهنگ سیاسی ایران، چارچوبی نظری که ویژگی‌های فرهنگ سیاسی ایران را به شکل ترکیبی در خود داشته باشد، طراحی شود. در فرآیند تحقیق، فرهنگ سیاسی احزاب و سازمان‌های سیاسی با مؤلفه‌های این چارچوب نظری مورد سنجش قرار گرفتند. بطوری که در قسمت یافته‌های تفصیلی و در تحلیل نهایی داده‌ها مشخص شد که در حقیقت نوعی سنخیت و مشابهت ساختاری میان فرهنگ سیاسی تاریخی ایران (در قالب چارچوب نظری) با فرهنگ سیاسی احزاب و سازمان‌های سیاسی مورد مطالعه وجود دارد. این موضوع نتیجه را به همراه دارد که می‌توان توسعه نیافتگی احزاب و

گروه‌ها را بر پایه توسعه نیافتگی فرهنگ سیاسی کل یا تاریخی تبیین نمود. ضمن آنکه مدعای این پژوهش آن است که میان دو منطق ساختاری مبتنی بر فرهنگ سیاسی کل (ایران) و توسعه نیافتگی احزاب و سازمان‌های سیاسی ملازمت و همسانی وجود دارد. همچنین در اینجا نتایجی دیگر در دو محور مشخص می‌گردند:

نخست: محتوای پیام‌های ارتباطی و چگونگی عرضه آنها در رسانه و همچنین بیان آنها از زبان فعالان حزبی گویای این واقعیت است که محتوای پیام‌ها علاوه بر آنکه متأثر از سازمان رسانه‌ای آنها بوده با محیط جامعه که در بر گیرنده ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، پیوند دارد. چنانکه در تحلیل محتوای موضع‌گیری‌های هریک از این احزاب و سازمان‌ها شاهد مواضعی ویژه با واژگان، جملات و عباراتی خاص هستیم که همبستگی کارکردی آنها را مشخص می‌کند. آنتونی گیدنز همبستگی را وجود رابطه‌ای منظم بین دو مجموعه از رویدادها یا متغیرها تعریف می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۱: ۷۲۰)، و کارکرد را شیوه عمل یا نهاد اجتماعی می‌داند که عبارت از تحلیل سهمی که آن شیوه عمل یا نهاد در دوام جامعه دارد می‌باشد (گیدنز، ۱۳۸۱: ۷۵۶)، بنابراین در اینجا تعیین میزان و نوع همبستگی کارکردی میان مواضع این احزاب و سازمان‌ها، با گزینه‌های الگوی تحلیلی مورد سنجش قرار گرفته است. بدین ترتیب که هر گاه گزینه‌ها حول اصلاحات و مفاهیم اصلاحی می‌چرخد مفاهیم و شکل واژگان؛ جملات و عبارات احزاب و سازمان‌ها بهم نزدیک می‌شود مانند: گزینه‌های؛ روش کسب قدرت، قواعد بازی سیاسی، هزینه سیاسی، تربیون‌ها، روش‌های برتری جویی و روش حل اختلاف؛ بنابراین یک نوع همبستگی کارکردی میان آنها نمودار می‌گردد که منظور از این نوع همبستگی نقد و تفسیر اطلاعاتی است که به همبستگی درون جناحی کمک می‌کند. اوج این همبستگی کارکردی زمانی است که گزینه‌ها قالب فرا اصلاح طلبی می‌یابند مانند گزینه‌های؛ تلقی از سیستم، تلقی از حکومت مرکزی، مبنای اعتماد خارج از گروه یا جناح، که منظور از این نوع همبستگی نقد و تفسیر اطلاعاتی است که

به همبستگی فراجناحی کمک می‌کند؛ اما هنگامی که گزینه‌ها با پایگاه حزبی و سازمانی، عوامل پیدایش و تعلقات درون گروهی ارتباط می‌یابد مانند گزینه‌های: تلقی از سیاست، تلقی از اقتدار حکومت مرکزی، تلقی از رهبران جامعه و هویت سیاسی اجتماعی، همبستگی کارکردی میان آنها کاهش یافته که این نوع همبستگی نقد و تفسیر اطلاعات درون گروهی این احزاب و سازمان‌ها است. از سوی دیگر آنگاه که مفهوم و شکل گزینه‌ها بسمت ویژگی‌ها و اهداف آنها سمت و سو می‌یابد باز این همبستگی کارکردی میان آنها کاهش یافته مانند گزینه‌های: روش کسب کارآمدی سیاسی، مبنای اعتماد درون گروهی و روش تصمیم‌گیری؛ که این نوع همبستگی نقد و تفسیر اطلاعاتی است که با ماهیت شکل‌گیری و عبارتی فصل‌تمایز آنها با سایرین ارتباط می‌یابد.

دوم: در گزینه ۱۰ الگوی تحلیلی «تلقی از هزینه سیاسی» بعنوان یکی از سؤالات از پرسش شونده‌ها مطرح شد و نیز بعنوان یکی از مبنایها و قالب‌ها برای تحلیل محتوای متون در نظر گرفته شد که تمام پرسش شونده‌ها، هزینه سیاسی را در جامعه بعنوان تهدیدی بالقوه و بالفعل می‌دانستند که هر روز بر حیات سیاسی آنها سایه افکنده و بعنوان تهدیدی پایدار پیش روی آنها قرار گرفته است. در تحلیل محتوای متون نیز مشخص گردید که نشریات حزبی و گروهی جملگی با عناوین گوناگون نارضایتی خود را از هزینه‌های سیاسی در جامعه اعلام داشته‌اند. بنابراین بنظر می‌رسد که میزان بالای هزینه سیاسی در جامعه امروز ایران یکی از عوامل بازدارنده در راه توسعه سیاسی می‌باشد.

در پایان امید است با مطالعات کامل‌تری درباره احزاب و تشکل‌ها در ایران زوایای بیشتری از فرهنگ سیاسی آنها نمایان گردد که این خود می‌تواند به فرآیند توسعه سیاسی در ایران کمک نماید.

منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه: احمد گل محمدی؛ محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشرنی، چاپ سیزدهم.
- استبرگ، کریستین جی. (۱۳۸۴)، *روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی*، ترجمه: احمد پوراحمد؛ علی شمعی، یزد. انتشارات دانشگاه یزد، چاپ اول.
- باردن، لورنس. (۱۳۷۴)، *تحلیل محتوا*، ترجمه: ملیحه آشتیانی؛ محمدیمنی دوزی سرخابی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۵)، «ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم در دوره پهلوی»، تهران: *فصلنامه نقد و نظر*، سال دوم، شماره سوم و چهارم.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰)، *جامه شناسی سیاسی*، تهران: نشرنی، چاپ هفتم.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، *دیپاچه‌ای بر جامعه شناسی ایران*، نشر نگاه معاصر، چاپ دوم.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۴)، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران، گام نو، چاپ پنجم.
- پناهی، محمدحسین. (۱۳۸۵)، *اثر انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های فرایند جنبش انقلابی*. *فصلنامه علوم اجتماعی* (دانشگاه علامه طباطبائی)، شماره ۳۶.
- *جبهه مشارکت ایران اسلامی*. (۱۳۸۰)، *بیانیه‌ها و مواضع جبهه مشارکت ایران اسلامی (تا کنگره اول)*، تهران: انتشارات جبهه مشارکت.
- *جبهه مشارکت ایران اسلامی*. (۱۳۸۵)، *اساسنامه جبهه مشارکت ایران اسلامی*. <http://mosharekat.ir>
- جلانی پور، حمیدرضا. (۱۳۸۱)، *جامعه شناسی جنبشهای اجتماعی*، تهران: طرح نو.

- حزب کارگزاران. (۱۳۷۸)، کتاب اول حزب کارگزاران سازندگی، تهران: انتشارات کارگزاران سازندگی ایران، چاپ اول.
- خانیکی، هادی. (۱۳۸۱)، قدرت و جامعه مدنی و مطبوعات، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ اول.
- دهقان، علیرضا. (۱۳۸۰)، تحلیل محتوای سرمقاله‌های روزنامه‌های سراسری در سال ۱۳۷۸، دانشگاه تهران: نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷.
- رزاقی، سهراب. (۱۳۷۵)، «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ما، تهران». فصلنامه نقد و نظر. سال دوم. شماره سوم و چهارم.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۴)، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۴)، توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- رضاقلی، علی. (۱۳۸۵)، جامعه شناسی خودکامگی، تهران: نشر نی، چاپ سیزدهم.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۱)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (جلد اول)، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ هفتم.
- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی. (۱۳۸۳)، اساسنامه و مرامنامه سازمان مجاهدین انقلاب، تهران: انتشارات سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۸۶)، فرهنگ سیاسی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۷۷)، مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۳۵ و ۱۳۶ (آذر و دی)،

- سعیدی، مهدی. (۱۳۸۵)، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- سیلورمن، دیوید. (۱۳۸۱)، روش تحقیق کیفی در جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر تیان، چاپ اول.
- شایگان فرد، فرهاد. (۱۳۸۷)، بررسی جامعه شناختی فرهنگ سیاسی احزاب و سازمان‌های اصلاح طلب (در طول یک دهه، از خرداد ۷۶)، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- صدیق سروستانی، رحمت الله. (۱۳۷۵)، کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی، تهران: نامه علوم اجتماعی. دانشگاه تهران: شماره ۸.
- فوران، جان. (۱۳۸۷)، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه: احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ هشتم.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۲)، چالش‌های توسعه سیاسی، تهران: نشر قوس، چاپ سوم.
- کیوی، ریمون، لوک وان کامپنهود، (۱۳۸۶)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر توتیا، چاپ پنجم.
- گیدنز: آنتونی. (۱۳۸۱)، جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
- محمدی، مجید. (۱۳۷۱)، مقدمه‌ای بر مطالعه فرهنگ سیاسی ایران، تهران: مجله فرهنگ و توسعه. سال اول. شماره سوم.
- مومنی، منصور (۱۳۸۶)، تحلیل‌های آماری با استفاده از spss، تهران: کتاب نو، چاپ اول.

- میرموسوی، سیدعلی. (۱۳۷۵)، مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکتی، تهران: فصلنامه نقد و نظر. سال دوم. شماره سوم و چهارم.

- مطبوعات

- آرشیو روزنامه سلام از خرداد ۱۳۷۶ تا تیر ۱۳۷۸، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- آرشیو دو هفته نامه عصرما از خرداد ۱۳۷۶ تا اسفند ۱۳۷۸، تهران: سازمان مجاهدین انقلاب.

- آرشیو دو هفته نامه عصر نو از فروردین ۱۳۸۴ تا خرداد ۱۳۸۶، تهران: سازمان مجاهدین انقلاب.

- آرشیو روزنامه مشارکت از دی ۱۳۷۸ تا اردیبهشت ۱۳۷۹، تهران: حزب جبهه مشارکت.

- آرشیو دو هفته نامه مشارکت از مرداد ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۶، تهران: حزب جبهه مشارکت.

- آرشیو روزنامه کارگزاران از اردیبهشت ۱۳۸۵ تا خرداد ۱۳۸۶، تهران: روزنامه کارگزاران.

- بیانیها

- «بیانیه» ۱۷ شهریور ۱۳۸۵ مجمع روحانیون مبارز.

- «بیانیه» ۱۱ مهر ۱۳۸۵ مجمع روحانیون مبارز.

- Almond, G.A. and S, Verba. (۱۹۶۳). **The Civic Culture, Political**

Attitudes and Democracy in Five Countries, Boston: Little Brown and company.

- Zonis, M. (۱۹۷۱). **The Political Elite of Iran**, New Jersey: Princeton

University Press.